

پروفیسر شہزادہ گل خان، شریک مدیر،
پرتال جامع علوم انسانی

نورِ نائیسم، زائیدہ فاشیسم

● نئورالیسم زائیده فاشیسم است. جواب به آنست. باید فاشیسم را شناخت و آنچه را بر سر ایتالیا و ایتالیایی آورد درک کرد نئورالیسم واکنش هنرمندان ایتالیایی به حاکمیت سبعانه‌ی فاشیسم است که ۲۰ سال تمام این کشور را در خود گرفت. خشونت سینمای روسلینی در «رم شهری دفاع» یا «آلمان سال صفر» تأثیر رمانتیک دسیکادر «دزد دو چرخه» هر دو جوابهایی به نفرتی است که آنها، همزبان با دیگر کارگردانان آن دوره به فاشیسم داده‌اند.

نگاه به نئورالیسم در حقیقت نگاه به خود فاشیسم است، عبران و بی‌برده از صافی حساسیت‌های سازندگانش. روسلینی به فاشیسم به عنوان یک پدیده‌ی عمومی‌تر می‌نگرد، نگاه او تنها معطوف به فاشیسم ایتالیایی نیست. «آلمان سال صفر» «رم شهری دفاع» به نیروهای اشغالگر آلمان نازی هم می‌پردازد. «آلمان سال صفر» تنها یک نگاه خشن به نازیسم نیست، در عین حال مستند گونه‌ای است به برلین پس از جنگ، و برانه‌ای که در آن کودک قهرمان فیلم ناگزیر به واکنش‌هایی است که انجام می‌دهد. «رم شهری دفاع» بیشتر فیلمی برای بازسازی روحیه‌ی ایتالیایی جنگ زده است.

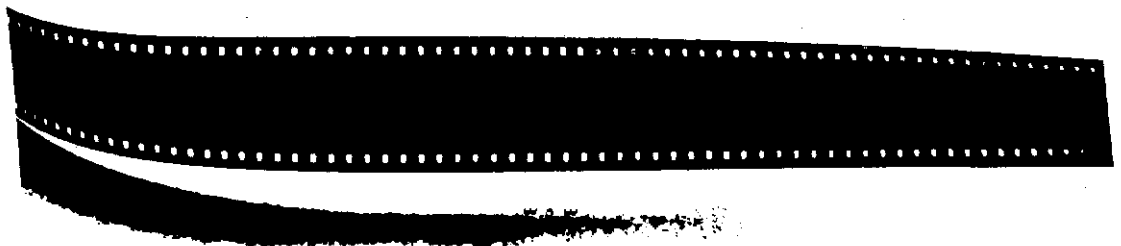
«ژنرال دلارووره» از آخرین کارهای دوره‌ی نئورالیسم روسلینی است. روسلینی از آغاز دهه‌ی ۶۰ وارد دنیایی دیگر می‌شود. «ژنرال دلارووره» اوج پختگی و کمال او را در کار با مایه و رنگه‌های نئورالیسم است. فضای نیمه‌ی اول فیلم، شخصیت مهندس گریمالدی او، همه نشانگر اوج پختگی در کار با همه‌ی اصول و عناصری است که خود روسلینی ۱۰ سال قبل‌تر بنا کرده است.

شاید بتوان گفت که یکی از دستاویزهای بازمانده از نئورالیسم نگاه انتقادی به جامعه و انتقاد خشن و عبران از آن، چیزی است که دهه‌ی ۱۹۶۰ باقی می‌ماند و در کارهای فیلمسازان نسل دوم چون «روزی» و دیگران نمونه‌های بسیار موفق می‌دهد.

با مطرح شدن کارگردانان نسل اول پس از جنگ، با موفقیت‌های بی‌دری آنان طرز کار آنها تغییر یافت. بسیاری از آنان نئورالیسم را با خود تا سالهای بعد از آن آوردند و به آن لایه‌های دیگر افزودند. دسیکا مثلاً هرگز دست از آن نشست و وسوسه‌ی نئورالیسم را حتی در آثار دهه‌ی ۶۰ او می‌بینیم.

«انجیل به روایت متی» با زولینی معرف یکی از وجوه کار او است و درست نقطه‌ی مقابل تصاویر و

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





بتری از سردمداران آیند.

در «روزی» (به ویژه در فریاد دستها روی شهر) در بازولینی (در باج خور و ماماروما-دوکاراول او) و در «پونته کورو» (در راه بزرگ آبی) می توان ریشه های نئورالیسم را بازشناخت. «اما نبرد الجزایر» جدایی پونته کورو و بانئورالیسم و ایتالیاست. در نسل بعدی، یعنی در دامیانی، در بتری و... دیگر به زحمت می توان بر ریشه های نئورالیسم انگشت گذاشت.

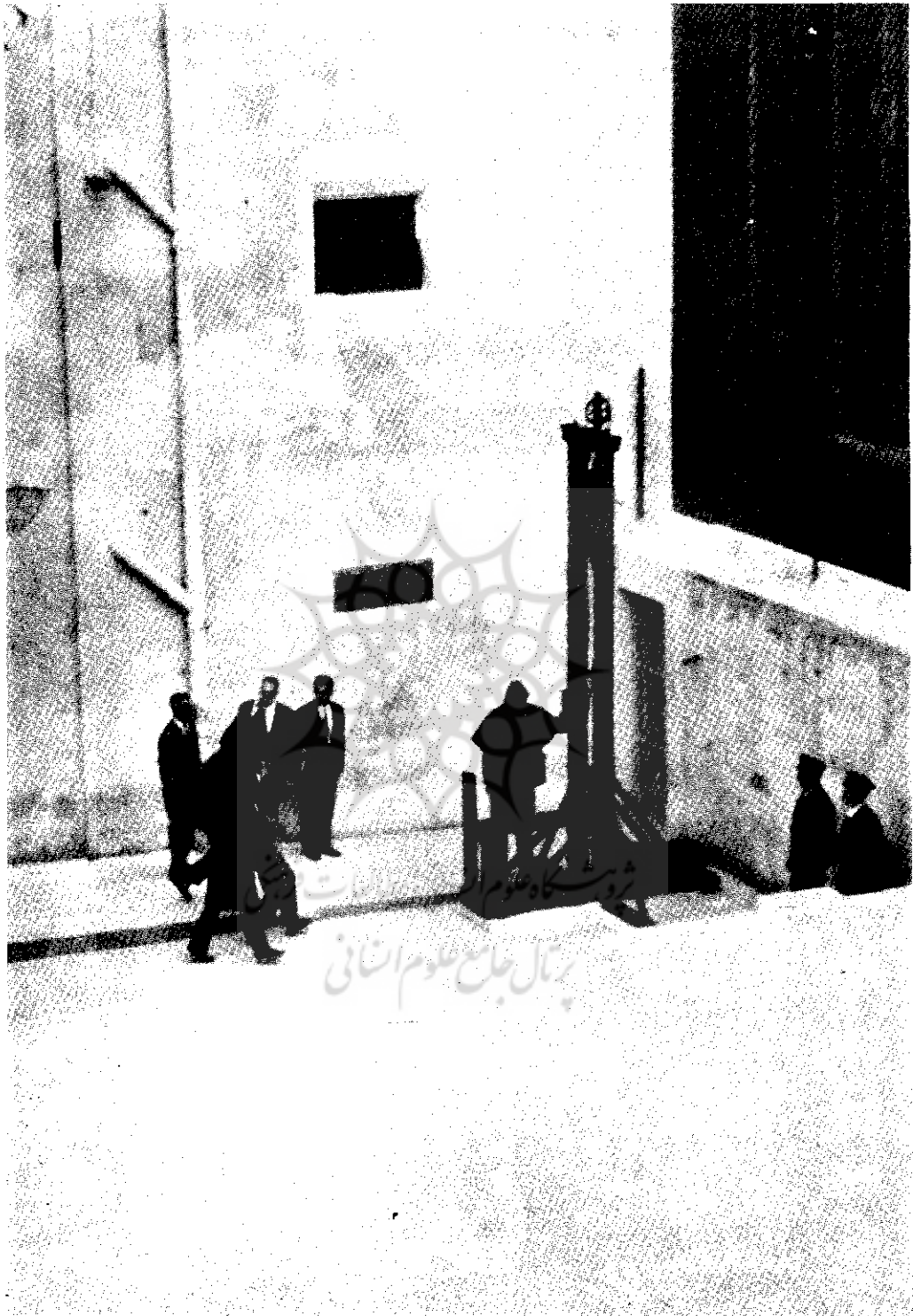
آثار نمایش داده شده و در جشنواره فیلم فجر به چند گرایش، چند دستمایه ی همیشگی سینمای ایتالیای پس از جنگ می پردازند: جنگ، فاشیسم و وقایع حاد سیاسی. اما این همه بسیار کم و برای شناخت سینمای ایتالیا کافی نیستند.

شمایل های سینمایی هالیوودی از مسیح است و از بهترین نمونه های سبک کار و نگرش بازولینی در دوره ی اول کار اوست. پرداخت مستقیم و بی پیرایه بر مبنای متن واژه به واژه ی متی، رعایت سادگی جغرافیایی و اقلیمی کار با روستائیان و هنر پیشگان غیر حرفه ای.

اهمیت (تروریست) نه فقط به خاطر معرفی «جان ماریا ولونته» است که بعدها به هنر پیشه اصلی و مهم سینمای ایتالیای متعهد دهه ۶۰ و ۷۰ بدل می شود، بلکه به پرداختن به داستانها و وقایع سیاسی روز ایتالیاست که در سینمای این کشور به یک «نوع» موفق بدل می شود که اعترافات یک کمیسر پلیس به دادستان جمهوری و کارگران به بهشت می روند دو نمونه بیانگر از این نوع و دامیانی و







پرتال جامع علوم انسانی